

اهل سنت و زیارت

چکیده

از آنجا که بعد اصلی انسان، روح اوست، زیارت قبر درگذشتگان، درحقیقت زیارت روح و ارتباط با هویت اصلی آنهاست. اگرچه مردم از راه دور نیز با درگذشتگان نیکوکار و شایسته ارتباط برقرار می‌کنند، به دلیل توجه روح به بدن خود، معتقدند رفتن کنار بدن انسان صالح، تأثیر بیشتری دارد؛ چرا که روح مرده، فرامادی و بی‌نیاز از مکان است؛ ولی پس از مرگ نیز به بدن خود توجه دارد. از این رو مسلمانان به زیارت اماکن مقدس می‌روند و تنها به توسل و ارتباط از راه دور بسنده نمی‌کنند.

وجود روایات فراوان درباره زیارت قبور به‌ویژه زیارت قبر مطهر نبوی ص بیانگر این است که سفر زیارتی، امری جایز یا مستحب است. زیارت قبور در سیره عملی پیامبر ص اهل بیت علیهم‌السلام، صحابه، تابعان و علما نیز مشاهده می‌شود. همین‌طور فتاوی علمای اهل سنت درباره توسل به درگذشتگان و شفاعت و فضیلت زیارت، بیانگر جواز یا استحباب سفرهای زیارتی است.

این نوشتار پس از بیان دلیل زیارت درگذشتگان و فضیلت زیارت قبر بزرگان دین، شماری از دلایل نقلی در خصوص جواز و استحباب زیارت قبور و سفرهای زیارتی را آورده و نظر برخی علمای اهل سنت درباره زیارت را نقل کرده است.

واژگان کلیدی: اهل سنت، فضیلت زیارت، سفر زیارتی، بزرگان دین.

مقدمه

اهل معرفت تردیدی ندارند که بعد اصلی انسان، روح اوست و چون روح، به اذن الله موجودی مجرد و فناپذیر است، مرگ و متلاشی شدن بدن، تغییری در او ایجاد نمی کند. بنابراین، زیارت قبور، در حقیقت زیارت روح و ارتباط با هویت اصلی صاحب قبر است. از این رو می بینیم مردم از راه دور نیز با اموات صالح و شایسته خود ارتباط برقرار می کنند، ولی معتقدند که اگر کنار بدن انسان صالح بروند، تأثیر بیشتری دارد و این امر به دلیل توجه روح به بدن خود است. البته روح مرده، فرامادی و بی نیاز از مکان است، ولی به بدن خود حتی بعد از مرگ نیز توجه دارد.^۱ همین توجه و تعلق روح به پیکر خود، باعث می گردد که اگر شایستگی لازم را داشته و صالح باشد، تأثیر قوی تری بر فردی که به کنار قبرش می آید، از خود بروز دهد. به نظر می رسد که مسلمانان از اصل این موضوع آگاهند و به همین دلیل به سفرهای زیارتی در اماکن مختلف می روند و فقط اکتفا به توسل و ارتباط از راه دور نمی کنند.

در این نوشتار به شماری از ادله نقلی پیرامون جواز و رجحان زیارت قبور و مسافرت های زیارتی اشاره کرده و نظر عده ای از علمای سنی را نقل می کنیم و به برخی از تردیدها درباره زیارت قبور پاسخ خواهیم داد.

فضیلت زیارت قبور

از آن جا که پیرامون زیارت قبور به ویژه قبر مطهر نبوی صلی الله علیه و آله روایت‌هایی وجود دارد، پیداست که سفر زیارتی، امری جایز یا مستحب است؛ چون مقدمه زیارت، پیمایش مسافت است و بدون آن، زیارت محقق نمی‌شود، پس سفر زیارتی نیز مستحب و حداقل، جایز است.

۱. ابن حجر گوید: ابوالشیخ در کتاب الثواب از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «من صلی علی عند قبری سمعته»^۲ هر کس بر من کنار قبرم صلوات بفرستد، می‌شنوم.
۲. عبدالله بن عمر بن خطاب از پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش می‌کند: «من زار قبری وجبت له شفاعتی»^۳ هر کس قبرم را زیارت کند، شفاعتم بر او واجب می‌گردد.

ابن حجر هیتمی درباره این حدیث می‌نویسد: «الحدیث... يشمل الذکر و الاثنی من قرب أو بعد فیستدلّ به علی فضیلة شدّ الرحال لذلك و ندب السفر للزيارة اذ للوسائل حکم المقاصد»^۴ این حکم شامل مرد و زن و فاصله دور و نزدیک، هر دو می‌شود و با آن، به فضیلت و استحباب مسافرت برای زیارت استدلال می‌شود؛ چون وسایل، حکم اهداف و مقاصد را دارند. یعنی اگر زیارت، مستحب است، مسافرت برای این منظور هم مستحب است.

۳. ابوهیریه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «ما من أحد یسلم علیّ الا ردّ الله علی روحی حتی أرد علیه السلام»^۵ کسی بر من سلام نمی‌فرستد، جز آن که خداوند روحم را به بدنم بازمی‌گرداند تا پاسخ سلامش را بگویم. این روایت به اسناد صحیح از ابوداود نقل شده است.^۵

از آن جا که پیرامون زیارت قبور به ویژه قبر مطهر نبوی صلی الله علیه و آله روایت‌هایی وجود دارد، پیداست که سفر زیارتی، امری جایز یا مستحب است؛ چون مقدمه زیارت، پیمایش مسافت است و بدون آن، زیارت محقق نمی‌شود، پس سفر زیارتی نیز مستحب و حداقل، جایز است.

۴. شربینی (از علمای شافعی مذهب قرن دهم هجری) از رسول خدا ﷺ نقل کرده است: «من جاءني زائراً لم تنزعه حاجة الا زيارتي، كان حقاً على الله تعالى أن أكون له شفيعاً يوم القيامة»؛^۶ اگر کسی کنار قبرم برای زیارت بیاید و قصدش فقط زیارت من باشد، بر خداوند متعال است که من در روز قیامت شفیع او باشم.

۵. بخاری از پیامبر ﷺ روایت می‌کند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَبْلُغُنِي وَكَفَى أَمْرَ دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ وَكُنْتُ لَهُ شَفِيعًا أَوْ شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛^۷ هر کس کنار قبرم بر من رحمت و درود بفرستد، خداوند فرشته‌ای را مأمور می‌کند که آن را به من برساند و امر دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند و من شفیع یا شاهد او^۸ در روز قیامت خواهم بود.

۶. رسول خدا ﷺ در ترغیب مردم به زیارت شهدای احد فرمودند: «... آتوهم و زورهم و سلموا عليهم و الذی نفسی بیده، لا یسلم علیهم أحداً إلی یوم القیامة إلا ردوا علیه»؛^۹ کنار قبرشان بیایید و زیارتشان کنید و بر آنها درود و رحمت بفرستید. سوگند به آن که جانم به اختیار اوست، کسی بر آنها تا روز قیامت درود و رحمت نمی‌فرستد، جز آن که درود و رحمت را به او باز می‌گردانند.^{۱۰}

۷. رسول خدا ﷺ درباره ثواب یازده مرتبه خواندن سوره توحید هنگام عبور از کنار قبور مسلمین می‌فرماید: «من مرّ علی المقابر و قرأ قل هو الله احد احدی عشر مرّة ثم وهب أجره للاموات، أعطی من الاجر بعدد الاموات»؛^{۱۱} هر کس بر قبور مسلمانان عبور کند و یازده بار قل هو الله احد بخواند و پاداشش را برای مرده‌ها قرار دهد، به تعداد مرده‌ها به او پاداش داده می‌شود.

فتاوی علمای اهل سنت درباره زیارت و سفرهای زیارتی

از مطالعه فتاوی اهل سنت درباره توسل به اموات و شفاعت و فضیلت زیارت، به دلالت مطابقی یا التزامی، جواز یا استحباب سفرهای زیارتی فهمیده می‌شود. در ذیل، تعدادی از این فتاوا را گزارش می‌کنیم.

۱. ابن هبیره (م ۵۶۰هـ) می‌گوید: «اتفق مالک و الشافعی و أبوحنيفة و أحمد بن حنبل... علی أن زیارة النبی مستحبة»؛^{۱۲} مالک و شافعی و احمد حنبل متفق القول هستند که زیارت پیامبر ﷺ مستحب است.

۲. احمد بن حنبل گوید: «إذا دخلتم المقابر فاقروا الفاتحة و المعوذتين»^{۱۳} زمانی که وارد مقبره‌ها شدید، سوره فاتحه و معوذتین بخوانید.

۳. أبو عمران فاسی (م ۴۰۳ هـ) گوید: «أن زیارة النبی واجبة»^{۱۴} زیارت پیامبر ﷺ واجب است.

۴. قرطبی (م ۶۷۱ هـ) می‌نویسد: برای کسی که تصمیم به زیارت قبور می‌گیرد، شایسته است که آدابش را به‌جا آورد و با حضور قلب باشد. وقتی به قبرستان رفت، بر اهل قبور سلام کند و مثل این که در حضورشان هستند، آنها را مخاطب قرار دهد و بگوید: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین»^{۱۵}.

۵. نووی (م ۶۷۶ هـ) درباره حکم زیارت قبور می‌گوید: نصوص شافعی و اصحاب بر این نکته متفقند که برای مردها زیارت قبور مستحب است و این، سخن تمام علماست. عبدی در این باره اجماع علمای اسلام را حکایت کرده است. دلیل حکم شافعی، علاوه بر اجماع، احادیث صحیح و مشهور است.^{۱۶}

۶. نووی در جایی دیگر گوید: بدان که زیارت قبر رسول خدا ﷺ از مهم‌ترین کارهای قربی است. وقتی حاجی‌ها از مکه بازگشتند، برای آنها مستحب اُکید است که متوجه مدینه برای زیارت پیامبر ﷺ شوند.

۷. ابن قدامه (م ۶۲۰ هـ) از فقهای حنبلی مذهب، مسافرت برای زیارت قبور و مشاهد را جایز دانسته است. دلیلی که ابن قدامه بیان می‌کند، این است که پیامبر ﷺ پیاده یا سواره به قبا می‌آمدند و قبور را زیارت می‌کردند و می‌فرمودند: «به زیارت قبور بیایید؛ چرا که شما را به یاد آخرت می‌اندازد»^{۱۷}.

❖ قرطبی (م ۶۷۱ هـ) می‌نویسد: برای کسی که تصمیم به زیارت قبور می‌گیرد، شایسته است که آدابش را به‌جا آورد و با حضور قلب باشد. وقتی به قبرستان رفت، بر اهل قبور سلام کند و مثل این که در حضورشان هستند، آنها را مخاطب قرار دهد و بگوید: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین».

۸. ابن عقیل گوید: اگر انسان برای زیارت قبور و مشاهد سفر کند، ترخص برای او مباح نیست (یعنی نمی‌تواند نمازش را شکسته بخواند)؛ چون از سفر برای این‌گونه امور نهی شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مسافرت جز به مقصد سه مسجد روا نمی‌باشد.» صحت این حدیث مورد اتفاق همه علماست. ابن قدامه در پاسخ به ابن عقیل گوید: نظر صحیح، مباح بودن چنین سفری و جواز قصر نماز در آن است؛ چرا که پیامبر ﷺ پیاده و سواره به مسجد قبا می‌رفت و به زیارت قبور می‌پرداخت و می‌فرمود: «به زیارت قبور بروید؛ چرا که آخرت را به یاد شما می‌اندازد.» منظور آن حضرت از «لا تشد الرحال...» نفی تفضیل مسافرت به سایر مساجد است، نه این که سفر به دیگر مساجد حرام باشد.

۹. ابن جزری م ۷۲۹هـ) از علمای شافعی مذهب می‌نویسد: از آداب دعا، توسل دعاکننده به خداوند به واسطه پیامبران و صالحین است.^{۱۸}

۱۰. ابن‌الحاج (عبدری مالکی - م ۷۲۷هـ) حرکت و سفر برای زیارت مزار شریف پیامبر ﷺ را بر سفر برای زیارت کعبه و بیت‌المقدس برتر دانسته است.^{۱۹}

۱۱. ذهبی (م ۷۴۸هـ) دعا در کنار قبور انبیا و صالحین و در مساجد و در عرفات و مزدلفه را مستجاب می‌داند.^{۲۰} بدیهی است که مقدمه و لازمه دعا در کنار قبور صالحین و در عرفه و مزدلفه، سفر به این اماکن شریف است. برای همین، مسافرت به مواضع یاد شده مستحب و حداقل مباح و مجاز است.

۱۲. حصنی دمشقی (از علمای قرن نهم هجری) می‌نویسد: زیارت قبر منور پیامبر ﷺ سنتی رایج بین مسلمانان بوده و همواره مردم در هر زمان، از نقاط مختلف، قبر شریف حضرت ابراهیم و حضرت موسی ﷺ را زیارت می‌کردند.^{۲۱}

۱۳. صاحب‌التلخیص که احتمالاً همان جلال‌الدین خطیب قزوینی (م ۷۳۹هـ) است، می‌نویسد: در استسقا اشکالی ندارد که انسان به ارواح شیوخ و علمای پرهیزکار توسل کند.^{۲۲}

۱۴. قسطلانی (م ۹۲۳هـ) به نقل از استاد خود، زین‌الدین می‌نویسد: بوسیدن مکان‌های شریف به قصد تبرک و نیز بوسیدن دست و پای صالحین به اعتبار قصد و نیت انسان، کاری نیک و پسندیده است.

و می گوید: ابوسعید علایی به من گزارش داد: در کتابی قدیمی - که خط محمد بن ناصر بغدادی (م ۵۵۰) و حفاظ دیگر بر آن بود، از احمد بن حنبل درباره بوسیدن قبر و منبر پیامبر ﷺ سؤال شده بود و احمد گفته بود: اشکالی ندارد. علایی می گوید: وقتی ما آن را به ابن تیمیه نشان دادیم، شگفت زده شد و گفت: تعجب می کنم! احمد در نگاه من شخصیت بزرگی است و چنین حرفی می گوید!

علایی در ادامه این سخن می گوید: «ای عجب فی ذلک و قد روينا عن الامام احمد انه غسل قميصاً للشافعي و شرب الماء الذي غسله به...»^{۲۳}

◆
ذهبی (م ۷۴۸هـ) دعا در کنار قبور انبیا و صالحین و در مساجد و در عرفات و مزدلفه را مستحباب می داند. بدیهی است که مقدمه و لازمه دعا در کنار قبور صالحین و در عرفه و مزدلفه، سفر به این اماکن شریف است. برای همین، مسافرت به مواضع یاد شده مستحب و حداقل مباح و مجاز است.

۱۵. زکریا بن محمد انصاری (از علمای شافعی، م ۹۳۶هـ) می گوید: نوشیدن آب زمزم ... و زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ حتی برای کسی که حاجی نیست و عمره به جا نمی آورد، سنت است.^{۲۴}

۱۶. موسوی حجاوی (مفتی حنابله در دمشق، م ۹۶۰هـ) زیارت قبر ملکوتی رسول خدا ﷺ را برای مردها و زنها سنت می داند.^{۲۵}

۱۷. احمد بن نجار فتوحی (از علمای حنابله، م ۱۰۶۴هـ) گوید: توسل به صالحین، مباح است. «و بياح التوسل بالصالحين...» ابن مفلح حنبلی (م ۷۶۳هـ) همین مطلب را در کتاب الفروع آورده است.^{۲۶}

◆
از احمد بن حنبل درباره بوسیدن قبر و منبر پیامبر ﷺ سؤال شده بود و احمد گفته بود: اشکالی ندارد. علایی می گوید: وقتی ما آن را به ابن تیمیه نشان دادیم، شگفت زده شد و گفت: تعجب می کنم! احمد در نگاه من شخصیت بزرگی است و چنین حرفی می گوید!

۱۸. بهوتی (م ۱۰۵۱هـ) مستند استحباب زیارت قبر مطهر پیامبر ﷺ را حدیث ابن عمر از رسول خدا ﷺ می داند که فرمود: «هر کس قبرم را بعد از وفاتم زیارت کند، گویی مرا در حال حیاتم زیارت کرده است» و حدیثی دیگر از آن

حضرت که فرمود: «هر کس قبرم را زیارت نماید، شفاعت من برای او واجب می‌شود».

۱۹. محب الدین بن نصرالله بغدادی از عالمان حنبلی (م ۸۴۴هـ) گوید: لازمه استحباب زیارت قبر منور رسول خدا ﷺ استحباب مسافرت برای زیارت ایشان است؛ چون زیارت آن حضرت برای حاجی‌ها بدون این کار امکان ندارد. این امر مثل تصریح بر استحباب مسافرت به منظور زیارت حضرت پیامبر ﷺ است.^{۲۷}

۲۰. ابن عابدین حنفی، از علمای حنفی (م ۱۲۵۲هـ) می‌نویسد: زیارت قبور مانعی ندارد و بلکه مندوب است و در هر هفته انجام می‌شود.^{۲۸}

۲۱. شوکانی (م ۱۲۵۵هـ) نیز در پاسخ به شبهه ابن تیمیه که مسافرت برای زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ به بهانه حدیث «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: مسجدالحرام و مسجدی هذا و مسجد الأقصی» غیر مجاز دانسته، به نقل از جمهور علما گفته است: اولاً حصر در حدیث، حصر نسبی است، نه حصر حقیقی. دلیل ما حدیث «لا ینبغی للمطی أن یشد رحالها إلى مسجد یتبغی فیہ الصلاة، غیر مسجدی هذا و المسجد الحرام و المسجد الاقصی» است.

این حدیث که شبیه حدیث «لا تشد الرحال...» است، مشخص می‌کند که فضیلت خاصی برای نماز خواندن در این سه مسجد وجود دارد و در غیر آنها چنین فضیلتی نیست. با در نظر گرفتن این حدیث، منظور پیامبر ﷺ از جایز نبودن سفر به غیر آن سه مسجد معلوم می‌شود. به عبارت دیگر: رسول خدا ﷺ می‌فرماید: فضیلت ویژه‌ای در مسجد من و مسجدالحرام و مسجد الاقصی برای نماز وجود دارد و در غیر این مساجد، چنین فضیلتی نیست. برای همین اگر کسی می‌خواهد به این فضیلت دست یابد، فقط به این سه مسجد مسافرت کند.

با این توضیح مشخص می‌شود که پیامبر ﷺ به هیچ وجه مسافرت به سایر مساجد و نیز مسافرت به مشاهد و اماکن شریفه و مانند آن را منع نکرده است. ثانیاً علما بر جواز سفر به قصد تجارت و رفع نیازمندی‌های دنیوی و جوب سفر به عرفه و منی و مزدلفه برای انجام مناسک، و جوب سفر برای جهاد و جوب هجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام و استحباب مسافرت برای علم‌اندوزی، اجماع دارند.^{۲۹}

۲۲. خیرالدین آلوسی (م ۱۳۱۷هـ) می‌نویسد: همواره مردم در همه زمان‌ها و مناطق جهان بر زیارت قبر شریف پیامبر ﷺ به امید این که بر آنها خیر و برکت نازل شود و مشمول شفاعت

آن حضرت قرار گیرند، اتفاق نظر داشته‌اند و فرقی هم بین ذکر توسل و استغاثه و تشفع و توجه به حضرت پیامبر یا غیر ایشان از انبیا و اولیا وجود ندارد.^{۳۰}

۲۳. یکی از دلایلی که می‌توان گفت زیارت رسول خدا ﷺ برتری و فضیلت دارد و سفری هم که برای این منظور و مقدمه آن است، فضیلت دارد، آیه ۶۴ سوره نساء است که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾. حکم این آیه فقط محدود به زمان حیات پیامبر ﷺ نمی‌شود و پس از وفات آن حضرت را نیز شامل می‌شود. برخی از اهل سنت هم چنین برداشتی از این آیه کرده‌اند. از جمله آنها محمود سعید ممدوح است. ممدوح می‌گوید: این آیه شامل حال حیات و حال ممات آن حضرت می‌شود و کسی که آن را به حال حیات آن بزرگوار تخصیص داده، اشتباه کرده است؛ زیرا فعل «جاءوك» در سیاق شرط قرار دارد و مفید عموم است. استاد ما علامه غماری گوید: این آیه شامل حال حیات و وفات می‌شود و تخصیص آن به یکی از دو حال، نیازمند دلیل است و چنین دلیلی در این جا وجود ندارد.^{۳۱}

ممدوح در جایی دیگر درباره سیره مسلمانان می‌گوید: همواره حجاج در طول قرون، پیش یا پس از مناسک، خدمت پیامبر ﷺ مشرف شده، بر ایشان درود و رحمت فرستاده‌اند و آن حضرت هم پاسخشان را داده و آنها در کنار آن مرقد مطهر دعا و استغفار کرده‌اند.^{۳۲}

نگاهی به سیره مسلمانان در زیارت قبور

مسلمانان و حتی خود اهل بیت علیهم‌السلام همواره در طول تاریخ اسلام به زیارت قبور می‌رفته‌اند و گاه برای این امر به سفرهای کوتاه یا بلند نیز می‌رفتند در ذیل، نمونه‌هایی از روایات و گزارش‌هایی را که در این زمینه وجود دارد، آورده‌ایم:

۱. واقدی مورخ اهل سنت (م ۲۰۷هـ) می‌نویسد: رسول خدا ﷺ هر سال قبور شهدای جنگ احد را زیارت می‌کرد... ابوبکر هم هر سال این گونه عمل می‌کرد. عمر و عثمان هم چنین می‌کردند... حضرت فاطمه علیها‌السلام بین دو یا سه روز به زیارت آنها می‌رفت و در کنار قبور شهدا گریه و دعا می‌نمود... ابوسعید خدری کنار قبر حضرت حمزه می‌ایستاد و به کسانی که همراهش بودند، می‌گفت: احدی بر آنها درود نمی‌فرستد، مگر آن که پاسخش را می‌دهند. بنابراین فرستادن سلام بر آنها و زیارتشان را ترک نکنید... ام سلمه همسر پیامبر ﷺ در هر ماه

به زیارتشان می‌رفت و تمام روز آن‌جا می‌ماند.^{۳۳}

۲. ابن عباس گوید: ابوبکر و علی رضی الله عنهما شش روز پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار قبر شریف آمده و زیارت کردند.^{۳۴}

۳. منیب بن عبدالله بن ابی امامه درباره زیارت قبر منور نبوی صلی الله علیه و آله توسط انس بن مالک (خدمتکار آن حضرت) می‌گوید: دیدم که انس بن مالک کنار قبر مطهر آمد و ایستاد و دو دستش را بالا برد و من گمان کردم که به نماز ایستاد، اما او بر پیامبر درود و سلام فرستاد و سپس باز گشت.^{۳۵}

۴. بلال حبشی در شام رسول خدا صلی الله علیه و آله را در عالم خواب دید که از او گلایه کردند که چرا به زیارتشان نمی‌آید؟! «ما هذه الجفوة یا بلال؟! أما أن لک أن تزورنی؟» بلال به سوی مدینه آمد و کنار قبر مطهر رفت و مشغول گریستن شد و صورتش را به آن بارگاه ملکوتی می‌مالید.^{۳۶} بلال از بزرگان صحابه بود. سفر او برای زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان عمر اتفاق افتاد، ولی کسی به بلال خرده نگرفت. اگر رویکرد بلال مخالف سنت و اجماع امت بود، دیگران، به ویژه عمر به او اشکال می‌گرفتند.^{۳۷}

۵. نافع، غلام عبدالله بن عمر درباره سیره عبدالله بن عمر گوید: هرگاه عبدالله از سفر بازمی‌گشت، وارد مسجد می‌شد و کنار قبر مطهر می‌آمد و می‌گفت: «السلام علیک یا رسول الله...»^{۳۸}

۶. احمد بن حنبل در «مناسک» خود، تذکر داده که او در دعای خود به پیامبر صلی الله علیه و آله متوسل می‌شود.^{۳۹}

۷. ابوبکر احمد بن نبیل (م ۲۹۷هـ) گوید: عمر بن عبدالعزیز پیوسته بپیکری از شام به مدینه برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله اعزام می‌کرد.^{۴۰}

۸. ابوعلی خلیل، معروف به «حلوانی» استاد بخاری و مسلم و ابوداود گوید: دچار هیچ مشکلی نشدم که در آن کنار قبر شریف موسی بن جعفر بیایم و به ایشان متوسل شوم، جز آن که خداوند آن مشکل را بر من، آن گونه که دوست داشتم آسان نمود.^{۴۱}

۹. ابن حجر می‌نویسد: شافعی کنار ضریح ابوحنیفه می‌آمد و بر او سلام می‌فرستاد و برای برآورده شدن حوائجش به واسطه او به خداوند متوسل می‌شد و ثابت شده که احمد بن

حنبل به شافعی متوسل می‌شد. وقتی به شافعی گزارش داده شد که مردم مغرب به مالک متوسل می‌شوند، بر آنها خرده نگرفت.^{۴۲}

۱۰. ابن حبان بستی (م ۳۵۴هـ) پیرامون زیارت قبر مطهر امام رضا علیه السلام می‌نویسد: در زمان اقامت در طوس دچار هیچ سختی و گرفتاری نشدم که در پی آن، قبر علی بن موسی - که صلوات خدا بر جدش و او باد - را زیارت کنم و از خدا بخواهم آن را از من برطرف سازد، مگر این که آن سختی از من برطرف شد. این امر را مکرراً تجربه کردم و به همان نتیجه رسیدم. خداوند ما را بر محبت مصطفی و اهل بیت او صلی الله علیه و سلم الله علیه و علیهم أجمعین بمیراند.^{۴۳}

۱۱. حسنی دمشقی (م ۸۲۹هـ) می‌گوید: ما قبر مطهر پیامبر صلی الله علیه و سلم را زیارت می‌کنیم و با ادب و خشوع و سکینه و با دید عظمت دعا می‌کنیم؛ چرا که می‌دانیم آن حضرت صدای ما را می‌شنود و پاسخمان می‌دهد. همین گونه سیره مؤمنین جاری شده است.^{۴۴}

۱۲. ثعالبی (مفسر قرن نهم هجری) درباره زیارت قبر ابوطاهر رکراکی گوید: ابوطاهر از اولیای بزرگ الهی است و در نگاه مردم تونس عظیم الشان است. قبرش در زلاج معروف است و من او را زیارت کردم.^{۴۵}

۱۳. قسطلانی (م ۹۲۳هـ) گوید: توسل به رسول خدا صلی الله علیه و سلم پس از رحلت ایشان به عالم برزخ، بیش از آن است که به شمارش درآید. در کتاب «مصباح الظلام فی المستغیثین بخیر الانام» اثر ابو عبدالله بن نعمان شماری از این توسلات آمده است. من خود به یک بیماری دچار گشتم که پزشکان از

بلال حبشی در شام رسول خدا صلی الله علیه و سلم را در عالم خواب دید که از او گلایه کردند که چرا به زیارتشان نمی‌آید؟! «ما هذه الجفوة یا بلال؟! أما أن لك أن تزورني؟» بلال به سوی مدینه آمد و کنار قبر مطهر رفت و مشغول گریستن شد و صورتش را به آن بارگاه ملکوتی می‌مالید.

درمان آن عاجز بودند. چند سالی گرفتار این بیماری بودم تا آن که در ۲۸ جمادی الاول ۸۹۳ هجری در مکه به پیامبر ﷺ متوسل شدم. در حالی که در عالم خواب بودم، مردی را دیدم که کاغذی همراهش بود و روی آن نوشته بود: «هذا دواء لداء أحمد بن القسطلانی من الحضرة الشریفة بعد الإذن الشریف النبوی». سپس بیدار شدم و چیزی از آن بیماری در خود ندیدم و به برکت حضرت مصطفی ﷺ شفا حاصل شد.^{۴۶}

۱۴. حقی بروسوی می گوید: غار «والمرسلات» (را که نزدیک مسجد خیف در منی است و گفته شده سوره «المرسلات» در آنجا نازل شده) زیارت کرده‌ام. در داخل غار صخره بلندی قرار دارد که اثر سر شریف پیامبر ﷺ در آن جاست و مردم به آن تبرک می جویند.^{۴۷}

۱۵. سمعانی می گوید: مشهد موسی بن جعفر علیه السلام در بغداد و مشهور است و مردم به زیارت ایشان می روند. من ایشان را بیش از یک بار با فرزند فرزندش محمد بن رضا علی بن موسی علیه السلام زیارت کردم.^{۴۸}

۱۶. أبوالدردا عویمر بن عامر بن زید انصاری در سال ۳۲ هجری از دنیا رفت. قبرش در باب الصغیر دمشق است و مردم آن را زیارت می کنند.^{۴۹}

۱۷. أبومحمد حکیم بن محمد ذیمونی در سال ۴۱۶ هجری در بخارا از دنیا رفت. قبرش معروف است و مردم به زیارتش می روند.^{۵۰}

۱۸. أبوالحسین علی بن حجر سعدی. وی پیشوای اهل مرو در زمان خود بود. و در سال ۲۴۴ هجری از دنیا رفت. قبرش در قریه «زرزم» است و مردم به زیارتش می روند.^{۵۱}

۱۹. شبلی معروف در سال ۳۳۴ هجری در بغداد از دنیا رفت. قبرش معروف است و مردم آن را زیارت می کنند.^{۵۲}

نتیجه گیری

با تأمل در برخی آیات و روایت و فتاوی اهل سنت پیرامون زیارت، و توجه به سیره عملی رسول خدا ﷺ و اهل بیت و بزرگان صحابه و تابعین و علما و مسلمانان نتیجه می گیریم که زیارت قبور، به ویژه صالحین و بالاحص انبیا و پیامبر اسلام فضیلت دارد و مورد تأکید قرار گرفته است، و چون مقدمه زیارت قبور، پیمودن راه برای این منظور است، سفرهای زیارتی نیز مستحب یا دست کم مباح و مشروع می باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱ . رک: حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۱.
- ۲ . ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۶، ص ۳۵۲.
- ۳ . رک: محمود سعید ممدوح، رفع المناره، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.
- ۴ . همان، ص ۵۱ و ۵۲.
- ۵ . نووی، المجموع، ج ۸، ص ۲۷۲.
- ۶ . شریینی، مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۲.
- ۷ . همان.
- ۸ . شاید منظور این است که پیامبر ﷺ شاهد درود و رحمتش خواهد بود.
- ۹ . واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۱۳.
- ۱۰ . ظاهراً یعنی آنها هم بر او درود و رحمت می‌فرستند.
- ۱۱ . رعینی، مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۵۱.
- ۱۲ . عبدری فاسی مالکی، المدخل، ج ۱، ص ۳۹۰.
- ۱۳ . مواهب اجلیل، ج ۳، ص ۵۱.
- ۱۴ . المدخل، ج ۱، ص ۲۵۹.
- ۱۵ . مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۵۰.
- ۱۶ . المجموع، ج ۵، ص ۳۱۰ و ۳۱۱.
- ۱۷ . المغنی، ج ۲، ص ۱۰۴.
- ۱۸ . الوسی، جلاء العینین، ص ۴۹۹.
- ۱۹ . حصنی دمشقی، دفع الشبهه، ص ۱۸۸.
- ۲۰ . ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۱۰۷.
- ۲۱ . دفع الشبهه، ص ۱۸۱ و ۱۸۲.
- ۲۲ . جلاء العینین، ج ۱، ص ۵۰۰.
- ۲۳ . قسطلانی، عمدة القاری، الجزء التاسع، ص ۲۴۱.
- ۲۴ . انصاری، فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۶۷.
- ۲۵ . بهوتی، کشف القناع، ج ۲، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.
- ۲۶ . جلاء العینین، ج ۱، ص ۵۰۰.
- ۲۷ . کشف القناع، ج ۲، ص ۵۹۸.
- ۲۸ . ابن عابدین، حاشیة رد المختار، ج ۲، ص ۲۶۲.



حقی بروسوی می‌گوید: غار «والمرسلات» (را که نزدیک مسجد خیف در منی است و گفته شده سوره «المرسلات» در آنجا نازل شده) زیارت کرده‌ام. در داخل غار صخره بلندی قرار دارد که اثر سر شریف پیامبر ﷺ در آن جاست و مردم به آن تبرک می‌جویند.

۲۹. رک: شوکانی، نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۸۰ و ۱۸۱ (با شرح و توضیح و تصرف زیاد).
۳۰. جلاء العینین، ص ۵۰۴.
۳۱. ممدوح، رفع المناره، ص ۵۷.
۳۲. همان، ص ۶۰.
۳۳. المغازی، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.
۳۴. طبری، ذخائر العقبی، ص ۶۴.
۳۵. بیهقی، شعب الایمان، ج ۳، ص ۴۹۱.
۳۶. دمیاطی، اعانة الطالبین، ج ۱، ص ۲۶۷.
۳۷. دفع الشبهه، ص ۱۶۲.
۳۸. المجموع، ج ۸، ص ۲۷۳.
۳۹. كشف القناع، ج ۲، ص ۷۸ و ۷۹.
۴۰. دفع الشبهه، ص ۱۸۳.
۴۱. بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۳۳.
۴۲. امینی، الغدير، ج ۵، ص ۱۹۴.
۴۳. ابن حبان، الثقات، ج ۸، ص ۴۵۷.
۴۴. دفع الشبهه، ص ۱۹۸.
۴۵. ثعالبی، جواهر الحسان، ج ۳، ص: ۴۹۵.
۴۶. جلاء العینین، ص ۴۹۷ و ۴۹۸.
۴۷. اسماعیل بروسوی، روح البیان، ج ۱۰، ص ۲۲۵.
۴۸. سمعانی، الانساب، ج ۵، ص ۴۰۶.
۴۹. مشاهیر علماء الامصار، ص ۸۴.
۵۰. الانساب، ج ۳، ص ۲۰.
۵۱. همان، ص ۲۵۷.
۵۲. همان، ص ۳۹۷.